



شماره ۷۶ ، سال هفتم - اسفند ماه ۱۳۸۹ برابر با مارس ۲۰۱۱

نشریه برونو مرزی

جهه ملی

ارگان نیروهای ملی ایران

بحرين زير چكمه بيگانگان آزمند را دريابيد

سر مقاله

هوشنگ کردستانی

هم میهنان و ملت آزاده ایرانی مین
بی گمان آگاه هستید که طی روزهای اخیر ملت های
همیشه در بند کشورهای عربی بر علیه حاکمان دیکتاتور خود
برای رسیدن به آزادی به پا خواسته و دیکتاتورها را یکی پس
از دیگری از اریکه قدرت نا مشروع و ضد مردمی به زیر می
کشند.

باشتندگان ایرانی مین
هم اینک آنچه مایه نگرانی بیش از پیش هر ایرانی
میهن پرستی را بر می انگیزد رخدادهای دهشتانگی است که
در کشور استعمار ساخته بحرین می گذرد.
اما این پاره تن میهن که در ازمنه تاریخ این کهن بوم،
هماره جزیی از سر زمین پنهان ایران بوده اینک در التهاب
جو آزادی خواهی ایرانی تباران به پا خواسته ای است، که
شوریختانه در سایه سیاست های ننگین و استعماری، سالیان
متمامی زیر سیطره خاندان دست نشانده آل خلیفه است. که
تلاش داشته و دارند تا اکثریت ایرانی قبار و شیعه این سر
زمین جدا مانده از مام میهن را به زور قدرت نظامی
بقیه در ص ۲

در این شماره می خوانید:

- نوروز نمودی از هویت ملی ایرانیان
هوشنگ کردستانی
- بحرين زير چكمه بيگانگان را دريابيد حزب ملت ایران
باز هم از مصدق
- باور من به مذهب دکتر محمود تهرانی
- خبرهای ورزشی و داخلی
- در آستانه ۲۹ اسفند سالگرد ملی شدن صنعت نفت
پیام جبهه ملی ایران
- خوش آمد بهار سروده ای از زنده یاد فریدون مشیری

نوروز نمودی از هویت ملی ایرانیان

«با دل خوین، لب خندان بیاور همچو جام»
حافظ

اگر نامی از ایران در درازای هزاره های تاریخ پایر جا مانده
است یکی از عوامل اساسی آن بی تردید پایدار ماندن آئین

آئین های باستانی همراه با زبان و باورهای ملی، نمودهای
سازانده ملیت و هویت ایرانیان بوده و هست. سرزمین ایران به
دلیل موقعیت خاص جغرافیایی خود و قرار گرفتن در چهار راه
شرق و غرب، در درازای تاریخ کهن سالش، بارها با یورش های
سه‌مگین و ویرانگر بیگانگان رو برو بوده ولی با وجود شکست
های نظامی و سیاسی همواره ماندگار و پایر جا باقی مانده
است.

از مهمترین رویدادهای ویرانگر تاریخی، حمله اسکندر
مقدونی و پایان امپراتوری هخامنشیان، یورش تازیان و سقوط

امپراتوری ساسانیان و یورش قبیله های مغول بوده است.
چشناه و آئین های کهن، مانند سنت های نوروزی،
مهرگان، سده، شب یلدا و نظایر آن، در کنار زبان و باورهای
ملی، جان پناه و سنگرهایی بوده اند که ایرانیان در رویارویی
با بیگانگان از آن جا، با مقاومت و ایستادگی کردن های
خوبیش، پیروزی را جایگزین شکست کرده اند.

پس از یورش تازیان و اسلام آوردن اجباری ایرانیان،
گرچه پیوندهای نیاکان مان با گذشته هایشان تا حدی از میان
رفت ولی سنت ها و آئین های کهن که یادگار دوران های
باسنانی بودند همچون سمندری از درون خاکستر زمان به
پا خاسته و نگهبان هویت و ملیت ایرانی شد و سرانجام
بقیه در ص ۵

جدایی دین از حاکمیت از هدف های ملت ایران است

باز هم از مصدق

دستگیری وزیر خارجه و راه و نیز مهندس زیرک زاده نماینده مجلس نمودند ولی به دستگیری سرتیپ ریاحی که برای ملاقات اینجانب به شهر آمده بودند موفق نشدند.

دوم- آیا معمول بوده که برای نخست وزیر معزول هم شاهنشاه دستخط صادر نمایند؟

در دوره فترت، یعنی وقتی که مدت دوره تقنینه منقضی می شد و مجلس بعدی هم افتتاح نشده بود، اگر نخست وزیر خود را مواجه با مشکلاتی سیاسی یا عدم موافقت شاه می دید استعفا می نمود و از طرف شاه فرمان فقط برای نخست وزیر منصوب صادر می گردید. معمول نبود که برای عزل نخست وزیر هم دستخط صادر شود. بنابراین، این جانب حق داشتم که در اصالت دستخط تردید کنم.

ساعت ۱ بعد از نیم شب با بودن حکومت نظامی که عبور و مرور ممنوع بوده و هیچ کس قصد رفتن به خانه های عمومی را هم نمی کند تا چه رسد به اینکه دستخط شاهنشاه را ببرند به نخست وزیر ابلاغ کنند.

چنانچه دستخط در روز ابلاغ می شد با اینکه بر طبق مقررات مشروطیت صادر نشده بود. یک بیانیه صادر و از کار دوری می کردم و از خود در مقابل مردم سلب مسئولیت می نمودم. مگر روز ۲۶ تیر ماه ۱۳۳۱ که اعلیحضرت با تصدی وزارت جنگ اینجانب، موافقت نفرمودند و حق هم نداشتند، استعفا نمودم؟ این مرتبه هم همین کار را می کردم.

هیچ کس قبول نمی کند که شاهنشاه نخست وزیر سپهبد فضل الله زاهدی - تعیین کنند و دولت هنوز معرفی نشده از کشور خارج شوند. اینها همه چیزهایی بود که باز در اصالت دستخط تردید کنم.

اگر به اتکای دریافت فرمان شاه مبنی بر عزل خود - به آن شکل که ابلاغ شد - از کار کناره می گرفتم و از خود سلب مسئولیت می کردم و اداره امور مملکت را رها می ساختم مورد مؤاخذه و محکمه مجلس شورای ملی قرار می گرفتم، زیرا طبق اصل شصت و چهارم قانون اساسی، حق نداشتم حکم کتبی شاه را مستمسک قرار داده از خود سلب مسئولیت نمایم.

ممکن است گفته شود وقni که مجلس شورای ملی وجود نداشته باشد می توانند وزرا را عزل کنند و در مورد اینجانب، چون در روز ۲۵ مرداد مجلس شورای ملی منحل شده بود، شاه حق عزل داشته اند.

به اتکای اصول مذبور سلام است که شاه در هیچ حال، نه در موقعت وجود مجلس و نه در دوران انحلال آن، شخصاً، حق عزل وزرا را ندارند. علاوه به تصریح متن ادعانامه، چون اعلیحضرت با صدور فرمان انتخابات دوره هیجدهم و بالنتیجه با انحلال مجلس هفدهم موافقت نفرموده اند و به این ترتیب مجلس هفدهم وجود داشته و اعلامیه خود اینجانب هم مبنی بر انحلال مجلس هفدهم بر اثر مراجعت به آراء عمومی پس از تاریخ صدور و ابلاغ فرمان عزل بوده است. بنابراین مجلس هفدهم وجود داشته و فرمان اعلیحضرت راجع به عزل اینجانب نافذ نمی باشد.

البته نظر این بود که بطور مستقیم تناس بگیرم و از نظر اعلیحضرت راجع به اصالت و طرز ابلاغ آن مسیو شوم که گفتن اول وقت یکشنبه از کلاردشت به رامسر و از آنجا به بغداد تشریف فرما شده اند. این بود که تصمیم گرفتم به هیأت دولت پیشنهاد کنم. آنها به بغداد تلگراف کنند و نظر اعلیحضرت را از این مسافت پخواهند.

مدتی است مصدق، نماد میهن پرستی و آزادیخواهانه ملت ایران ناجوانمردانه از سوی طرفداران استبداد مذهبی و سلطنتی مورد انتقادهای خصمانه و بدور از واقعیت و حقیقت قرار گرفته است.

طرفداران نظام استبداد مذهبی حاکم بر کشور می دانند که آزادیخواهان تنها نیرویی هستند که می توانند بر عمر نظام اسلامی نقطه پایان گذارند. هواداران استبداد سلطنتی نیز آگاهند که با حضور آزادیخواهان در صفحه سیاسی کشور، تکرار استبداد به هر نوع و زیر هر نام در آینده ایران امکان پذیر نیست. از این رو، هر دو جریان - یکی برای بقا و دیگری برای توجیه کردن اشتباهات گذشته خود و رسیدن به قدرت - حمله نمودن به نماد آزادیخواهی و ملی گرایی، یعنی مصدق را در دستور کار خود قرار داده اند و می کوشند با واژگونه نشان دادن واقعیت های تاریخی به جایگاه والا و برجسته او خدشه وارد سازند.

از آنجا که این شیوه ناجوانمردانه ممکن است خوشنودگان و شنووندگان ناآگاه به حقایق تاریخی را تحت تأثیر قرار دهد، تصمیم داریم از این پس در هر شماره بطور فشرده و در حد گنجایش صفحات نشریه به برخی از آنها پاسخ دهیم.

یکی از انتقادهایی که از مصدق می شود این است که: چرا دستخط شاه را که فرمان عزل نخست وزیر او بود، اجرا نکرد؟ با وجود آنکه از سوی پسپاری از هموطنان آزادیخواه پاسخهای مستدلی به آن داده شده است. صلاح در آن دیدیم تا متن گفته های مصدق را که در دادگاه نظامی بیان نموده است را در ذیل بیاوریم:

«یک ساعت بعد از نیمه شب سرهنگ نصیری رئیس گارد شاهنشاهی با چهار کامیون نظامی مسلح و دو جیب ارتشی و یک زره پوش به منزل نخست وزیر آمده و به عنوان آنکه می خواهد نامه پدهد قصد اشغال خانه را داشته است.»

یکم- آیا معمول بود که دستخطی از شاهنشاه به طرقی که مذکور شد ابلاغ شود؟

دوم- آیا معمول بوده است که برای نخست وزیر معزول هم شاهنشاه دستخطی صادر فرمایند؟

سوم- آیا دستخط اصالت داشته است یا نه؟

یکم: ابلاغ دستخط برخلاف عادی و معمول بوده است

۱- دستخط ملوکانه در ۲۲ مرداد صادر شده و معلوم نشد

چرا همان روز ابلاغ نشده بود.

۲- دستخط های شاهنشاهی همیشه در ساعات عادی و متعارف ابلاغ می شد، معلوم نیست چرا برای ابلاغ این

دستخط مهم یک ساعت بعد از نیمه شب تعیین شده است.

۳- دستخط شاهنشاه همیشه به وسیله وزیر دربار یا معاون او یا یکی از اعضای کشوری دربار ابلاغ می شد و نه با قوای نظامی.

در ساعت ۶ بعد از ظهر همان روز، ۲۴ مرداد، که آقای کفیل وزارت دربار با اینجانب ملاقات نمود از این دستخط به هیچ وجه صحبتی به میان نیامد. آیا عزل نخست وزیر آنقدر بی اهمیت بود که هیچ کس حتی کفیل وزارت دربار هم از آنکه دو روز قبل صادر شده بود مطلع نشود؟

تمام این مسائل می رساند که از روز ۲۲ مرداد می خواستند کودتا کنند و منتظر موقع مناسب بودند. شب ۲۵ مرداد که زمینه را برای این کار مناسب دیدند اقدام به

دارند برای حمایت از مردم بحرین انجام داده و لزوماً در یک اقدام تاریخی، در به رسمیت شناخته شدن کشوری مستقل به نام بحرین تجدید نظر نموده و در مجتمع بین المللی مجدانه این مهم را بی‌گیری و اقدام به تعطیلی سفارت این کشور استعمارساخته در ایران کنند.

۲- به عربستان سعودی و امارات عربی نیز شدیداً هشدار می‌دهیم که اشغال بحرین بازی کردن با آتش است و ساکنین ایرانی تبار بحرین اجازه نخواهند داد تا نیروهای نظامی بیگانگان بحرین را به اشغال خود در آورده و در سر نوشت آنان نقش بازی کنند.

۳- همه باشندگان ایرانی، در هر کجای گیتی که هستند وظیفه دارند هر آنچه در توان داشته، به کار بسته تا صدای در گلو خفته و رنج دیده مردم آزادیخواه، در بحرین به گوش جهانیان رسانده شود.

۴- به کشورهای قدرتمند غربی بویژه آمریکا نیز هشدار می‌دهیم که دست از بازی های چند گانه در زمینه حقوق پسر و حمایت از دیکتاتورها برد اشته و آگاه باشند و بداند که به استناد تاریخ و تجربه بشری سر انجام کار، حکایت از بازی باخت باخت روابط بین دیکتاتورها و قدرتهای جهانی دارد و استعمار جهانی را نمی توان در غالب شعارهای چند منظوره و عوام‌گردانی به خورد جهانیان داد. دست از حمایت حاکمان عرب و بحرین برداشته تا مردم آزادیخواه یک بار برای همیشه تاریخ این دیکتاتورها را به زبانه دانی تاریخ بسپارند.

حزب ملت ایران

در این هنگامه بیداری و آزادیخواهی ملل خاورمیانه هر گونه خشونت روا داشته شده به مردم آزادیخواه و به پا خواسته از جانب حاکمان مستبد را به شدت محکوم نموده و به حاکمان بحرین نیز یاد آور خواهد شد که دیر روزی نخواهد بود که به سر نوشت صدام حسین، بن علی و حسنی مبارک و همه دیکتاتورهای تاریخ دچار خواهند شد و دلخوش نباشد به قدرت پوشالی سر نیزه های عربستان سعودی و حمایت های امریکا و دول غربی چون آن هنگام که ملتی به پا خیزد و خشم و خروش بر آرد هیچ قدرتی را توان ایستادگی دربرابر آن نخواهد بود.

پیروز باد جنبش آزادیخواهانه مردم بحرین

به امید همبستگی همه ایرانی تباران فلات ایران

حزب ملت ایران، تهران، ۲۵ اسفند ۱۳۸۹

بقیه از ص ۱
بحربن زیر چکمه بیگانگان
و دلاوهای باد آورده نفتی تابع خواستهای ضد بشری خود سازند.

خاندان آل خلیفه این نوکران استعمار پیر این روزها در مانده تر از همیشه در برابر باشندگان این سر زمین، دست به دامن حاکمان خوشگذران عربستان سعودی شده اند تا این کشور با گسیل نیروی نظامی اقدام به سر کوب معترضان آزادیخواه بحرین نماید. و جای طنز ماجرا نیز آن جاست که کشورک استعمار ساخته دیگری به نام امارات نیز در این اقدام شرم آور و مداخله جویانه دوشادوش عربستان اقدام به اعزام نیروی سر کوب گر و مزدور به بحرین نموده است که ما شدیداً این عمل مداخله جویانه را محاکوم می‌کنیم.

حزب ملت ایران

همچو همه تاریخ مبارزاتی خود، نسبت به جدایی بحرین از ایران همواره معتبر و تمامی رخدادهای این سر زمین را پی‌گیرانه تا کنون دنبال نموده و هر آنچه را که در توان داشته به کار بسته و خواهد بست، تا فریاد میلیونها ایرانی را که خواستار حمایت از فرزندان دور مانده از مام میهن هستند به گوش جهانیان برسد. باشد که روزی بحرین و دیگر سر زمینهای جدا شده از سر زمین مادری دگر باره به یک همبستگی تاریخی دست یازند.

حزب ملت ایران

سکوت معنا دار امریکا و اروپا نسبت به کشتار وحشیانه جوانان و مردم بحرین را به دلیل داشتن منافع اقتصادی و نظامی در بحرین و در پیش گرفتن سیاست دو گانه نسبت به تحولات کشورهای منطقه و همچنین مقوله دموکراسی و حقوق بشر و حنا در پیش گرفتن سیاست حمایت تلویحی از سر کوب مردم بحرین و اشغال این کشور توسط عربستان سعودی را به شدت محکوم می‌نماید. که این مسئله خود بیانگر این است که قدرتهای جهانی هیچگاه در پی حمایت از جنبشی‌ای آزادیخواهانه ملل تحت ستم نبوده و آنچه نیز در این زمینه بیان می‌دارند اساساً در راستای سیاستهای استعماری خودشان است و هر گاه نیز تشخیص دهنده که امیدی به ادامه حیات دیکتنا تورهای تحت حمایت آنان نیست بی‌درنگ چهره تغییر داده و شعار حمایت از مردم را در پیش می‌گیرندتا با ترفندی دیگر تامین کننده اهداف خود در منطقه و جهان باشند.

حزب ملت ایران

۱- به کاربستان جمهوری اسلامی اعلام می‌کند، به عنوان حاکمان کنونی سر زمین ایران نسبت به وقایع بحرین به عنوان یکی از حوزه های فرهنگی و سیاسی ایران مسئول بوده و می‌باشد در یک اقدام عملی هر آنچه را که در توان

آقای سروش، آفرین بر داماد شما!

باور من به مذهب

دکتر محمود مرادخانی (تهرانی)، خواهرزاده آیت‌الله خامنه‌ای که از مخالفین دایی خود محسوب می‌شود، امروز به نامه سرگشاده دکتر سروش واکنش نشان داد. پسر شیخ علی تهرانی، ضمن زیر سوال بودن «روشنفکری مذهبی» از سروش می‌پرسد: «همواره از خود می‌پرسم چرا امثال شما ظلم رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی را تنها امروز به این وضوح می‌بینید؟ مگر ظلم‌های رفته بر دیگران در طی سی و دو سال عمر نکبت‌بار جمهوری اسلامی، که خارج از محدوده خانواده‌گی شما بوده‌اند، ظلم نبودند؟»

من نامه دکتر محمود مرادخانی به شرح زیر است:

جناب آقای عبدالکریم سروش

بسیار مسروorum که بالآخره شما و امثال شما به ماهیت خبیث سردمداران رژیم جمهوری اسلامی واقف آمدید. نامه اخیر شما را خواندم. چه خوب که پس از انتظارها، خواست ما بر شدید الحن شدن نوشته‌های شما تا مقداری برآورده شد.

آن موقع که ما جنگ‌طلبی‌ها و آدم کشی‌های خمینی و سپس نوجوه‌های بازمانده‌اش را به باد انتقاد قرار می‌دادیم، تنها بودیم و امثال شما در جبهه مقابل هنوز به فرهنگ خرافات به قول خودتان کافرپرور حضرات اعتقاد داشتید. در این مختصر می‌خواستم تنها به دو نکته خلاصه وار اشاره کنم و امیدوارم که به آنها شما توجه و تفکر عمیق بنمایید.

نکته یکم این است که همواره از خود می‌پرسم چرا امثال شما ظلم رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی را تنها امروز به این وضوح می‌بینید؟ مگر ظلم‌های رفته بر دیگران در طی سی و دو سال عمر نکبت‌بار جمهوری اسلامی، که خارج از محدوده خانواده‌گی شما بوده‌اند، ظلم نبودند؟

هنگامی که ثریا مهریزی برای خبرگیری از شوهر بی‌گناهش به زندان وکیل آباد مشهد می‌رود، او را نیز می‌گیرند و به همراه شوهرش اعدام می‌کنند. سال ۱۳۵۹ بود. بسیاری در خواب خوش و اما ما، هر چند که از خانواده ما نبود، هر آنچه را توانستیم انجام دادیم. علی خامنه‌ای در جریان بود ولی هیچ نکردا قاسم فردی بود که علی خامنه‌ای در جلسه‌ای (قبل از انقلاب ۵۷) در موردش گفت: اگر دختر می‌داشتیم به قاسم می‌دادم! هم ثریا را و هم شوهرش قاسم را علی خامنه‌ای شکنجه کرد و کشت.

هنگامی که دانستیم که سینما رکس آبادان را برای اسلام و برای خدا به آتش کشیده‌اند، بسیاری باز هم در خواب بودند و ندیدند و نشنیدند، ولی ما بودیم و فریاد برآورده بودیم،

بقیه در ص ۵

نوشته‌اید حامد، داماد شما، با صدای درد آلود به شما گفت: «خدا نیست، بخدا قسم خدا نیست، نیست...». این گفته حامد آب در چشم شما نشانده است. چرا؟ چرا آقای سروش؟ داماد شما در جوانی شاید به حقیقتی رسیده که شما در کهولت هنوز به آن نرسیده‌اید. سال هاست شما مثل لاک پشت سیر فکری خود را از صحرای سوزان حجاز آغاز کرده و افتان و خیزان خود را از مکه مکرمه و مدینه منوره به ام القری تهران رسانده‌اید. دست کم ۵۰ سال تمام در سیاه‌ترین دوران حکومت اسلامی به خمینی خدمت کرده‌اید. از آن به بعد هم با نز «دموکراسی دینی»، «سکولاریسم سیاسی»، «اسلام معنوی» و مهملات دیگر در دیار غربت بازار گرمی می‌کنید.

راستی شما در بلاد کفر چه می‌کنید؟ شما بیانیه تان را با «لن و نفرین بر جمهوری کافرپرور اسلامی ایران» آغاز کرده‌اید. ممکن است بفرمائید این کافرها به شما و داماد شما چه کرده‌اند؟ می‌دانم شما آدم شجاعی نیستید و گزنه مسئولیت گذشته خود را قبول می‌کردید، حالا می‌توان دید که شما آدم نمک نشانسی هم هستید. شما به جای پنهانده شدن به نجف اشرف و کربلائی معلى به کافرستان پناه اورده‌اید. تان و نمکشان را می‌خورید و از همه موهبات اینجا بویژه آزادی بهرمندید. اندیشمند بزرگ، چرا به «کافرها» توهین می‌کنید؟ اصلاً «کافر» در قاموس شما چه معنایی دارد؟ همین که شما انسان‌ها را به کافر و مسلمان تقسیم می‌کنید نشان می‌دهد که شما در بعد فکری، هنوز در فرن هفتم میلادی حجاز هستید. از این گذشته، اگر جمهوری اسلامی کافر پروری می‌کند، این واقعاً کار خوبی است. می‌دانید که آزاد فکران هم طبق دین محمدی کافر هستند. حالا بفرمائید ما آزاد فکران چه بدی به داماد شما کرده‌ایم که شما کافر را آدم بدی می‌دانید.

در بیانیه تان این شعر را آورده‌اید:

سرتا سر دشت خاوران سنگی نیست

کز خون دل و دیده برو رنگی نیست
آقای سروش، زمان قتل عام خاوران کجا بودید؟ برخی از آن جوانان شانس داماد شما را نداشتند تا به خارج بگریزند. ای کاش این قلم پُر ناز و کرشمه شما آن زمان به هیجان در می‌آمد و در وصف آن دامادهای غرقه به خون چیزی می‌نوشت! آقای سروش بس کنید.

ما کافرها به داماد شما خوش آمد می‌گوییم با این امید که نفس حامد بر شما هم کار ساز شود.

مهدي مظفرى، استاد اخراجي دانشگاه تهران
کافرستان

نوروز نمودی از هویت ملی ایرانیان بقیه از ص ۱
این بیگانگان بودند که آئین های ایرانی را پذیرا شدند و گرامی داشتند.

جشن های ملی به ویژه آئین های نوروزی که از روزگاران دور تا کنون رواج دارد از چنان شکوه و عظمتی برخوردارند که اقوام بیابانگرد مغول رانیز وادار به پذیرش آنها کرد. پس از استقرار جمهوری اسلامی که از جمله برنامه هایش ایرانی زدایی و عرب گرایی بود، برنامه ریزان آن به خوبی از تأثیر شگفت سنت ها و آئین های ملی، در رویارویی با فاجعه های شوم تاریخی آگاهی داشتند، کوشیدند تا آئین های نوروزی را از میان بردارند و عیدهای مذهبی را جایگزین آن سازند و حتی تصمیم داشتند سیزدهم فروردین را به روز دوازدهم فروردین که روز همه پرسی برای گزینش نظام اسلامی بود تبدیل نمایند.

آخوندهای کوتاه اندیش، البته موفق به عملی ساختن برنامه شوم خود در زدودن آئین های نوروزی نشدند بلکه به همانگونه که پیشینه های تاریخی نشان داده است این بار هم سنت ها و آئین های ملی بودند که سنگر دفاعی ملت ما در رویارویی با فاجعه استقرار استبداد مذهبی گردید تا جایی که خودگامگان مذهبی و عرب گرا نیز ناگزیر به پذیرش آنها شدند.

برپایی جشن نوروز از سوئی موجب استحکام همبستگی ملی است و از سوئی دیگر عامل پیوستگی مردم سرزمین هایی که سده های طولانی دارای تاریخ و فرهنگ مشترک هستند و در غم و شادی کنار هم مانده اند.

پذیرفته شدن نوروز به عنوان بزرگترین جشن ملی و آغاز رسمی سال نو در کشورهای برادر و همچوار، افغانستان، تاجیکستان و آذربایجان و برپایی شکوهمند آن در گستره پهناوری از سرزمین های آسیای مرکزی تا شمال قفقاز، استان های جنوبی چین، پخش هایی از هندوستان و پاکستان و نیز امارات نشین های جنوب خلیج فارس، همچنین کردستان ترکیه، عراق و سوریه نشانگر نفوذ عظیم و تاریخی این آئین باستانی در سطح گسترده در این پخش از جهان است.

بزرگداشت سنت های نوروزی در این تاریک ترین دوران تاریخی، پیامی است امیدبخش و امیدوار کننده که ایرانیان در هر شرایطی هویت ملی خود را پاس می دارند و به آن افتخار می ورزند.

میلیون ایرانی که دور از میهن و در سرزمین های بیگانه بسیار می بردند، به پیشواز نوروز می روند و سنت های آنرا گرامی می دارند و آنرا عامل پیوند همیشگی خود با هویت ملی خویش می دانند و می کوشند شهروندان کشورهای میزبان را نیز با آئین های ملی ایرانیان آشنا کنند.

بیانیم با برگزاری هر چه باشکوه تر جشن های ملی و بزرگداشت نوروز باستانی، در این دوران هستی سوز و تاریک شب تاریخ ایران، جاودانگی خود را به عنوان ملتی که ریشه در تاریخ دارد و فرهنگی پریار و بشردوستانه بر همه ویژگی های روحی و معنوی وی پرتو افکنده است، به جهانیان نشان دهیم.

باور من به مذهب هر چند فریاد ما آنزمان جیغی تنها در اقیانوس سکوت به اصطلاح روشنفکران اکثر مذهب گرا بودا و ... و هنگامهای بسیاری دیگر را می توان برشمود.

نکته دوم اینکه مناسب است اشاره ای کنم به جمله زیبا و بسیار درست دیبلمات جدا شده از رژیم، آقای احمد ملکی که می گوید: اولین راه مبارزه با ظلم، ترک ظالم است. آیا زمان آن نرسیده است که شما نیز ترک ظالم به معنای واقعی آن را بکنید؟ آیا روشنفکر مذهبی می تواند وجود داشته باشد؟

به باور من در مذهب و مخصوصاً در اسلام، روشنفکر معنا و مفهوم ندارد. چرا که روشنفکر نوآور است، به امروز علم دارد و تلاش در ساختن فردایی نوین را دارد. اما در مذهب تلاش تنها در توجیه نقل قول هایی است که حتی صحبت نقل قولی آنها مشخص و معلوم نیست. چگونه یک روشنفکر مذهبی می تواند فلسفه ای نوین را ارائه بدهد؟ مگر آنکه روایت و یا حدیثی جدید را بسازد؟ ترجمه ای من در آورده ای از آیات قرآن بکند و با روایتی را در مقابل روایتی دیگر بگذارد؟!

من بر این باورم که زنجیر مذهب بر هر پایی که باشد، گوش را کو، چشم را نایین و زبان را آلوهه می کند. شما در جمله ای اورده اید که دین به مانند شراب است که حیوان را حیوان تر و انسان را انسان تر می کندا جمله زیباست و قافیه دار ولی اما من هیچ گاه ندیده ام که شراب انسان را انسان تر کرده باشد! مگر در اشعار عرفانی! دین نیز هرگز انسانی را انسان تر ننموده است. چرا که اصل دین بر پایه انسانیت نیست. در دین هر آنچه بر روی زمین و آسمان است، بنده و برده پروردگار می باشد. به پروردگار است که باید سود رساند و نه به بنده و برده! اگر هم این اصل را بر شما تقیه کردن، ولی در عمل آن را انجام دادند. کدامیں آخوند را شما سراغ دارید که سودی برای جامعه و انسان ها داشته است؟ حتی علی تهرانی ها و علی شریعتی ها هم مگرسودی به جز هموار نمودن راه برای خمینی را داشتند؟ اگر هم در اینجا و یا در آنجا و مخصوصاً در میان مذهبیون مسیحی فردی را سراغ دارید که به انسانیت و به انسان ها خدمت کرده است، آن فرد فعالیت انسان دوستانه خود را از روی عشق و خارج از حوزه سنتی مذهب و کلیسا انجام داده است.

جناب آقای سروش، نکته های بسیار دیگری نیز به نظرم می آیند و اگر آنها را نمی نگارم نه به خاطر نداشتن جوهر در قلم که بر این باورم که ... یک کلام بس باشد! به باور من زمان آن رسیده که روشن و محکم نادرستی و بی سوادی افکار آخوندی را بر ملا کنیم، خود را از آنها مبرا و جامعه را به مبارزه فعلی با این جانیان انگل دعوت نمایم. لعنت و نفرین برآزنه و شایسته انسان روشن فکر نیست. اینها همه خرافاتی آخوندی بیش نیستند. تنها کنش های سودمند من و شماست که دیروز را ترمیم و فردا را می توانند بسازند.

شاد و سلامت باشی، دکتر محمود تهرانی، فرانسه، ۳
اسفند ماه ۱۳۸۹

فهرستی و درزشی و کلاتهای

ایران بار دیگر قهرمان جام جهانی کشتی فرنگی شد

در مسابقه‌های پایانی جام جهانی کشتی فرنگی که در مینسک پایتخت روسیه سفید برگزار شد، پهلوانان کشتی فرنگی ایران با نتیجه ۴ بر ۳ روسیه را شکست دادند و برای دومین بار پیاپی به قهرمانی فرنگی جهانی رسیدند.

پهلوانان پیروز تیم ملی کشتی فرنگی ایران عبارت بودند از:

محسن حاجی پور	۵۵ کیلوگرم
امید نوروزی	۶۰ کیلوگرم
سعید عبدالی	۶۶ کیلوگرم
فرشاد علیزاده	۷۴ کیلوگرم
طالب نعمت پور	۸۴ کیلوگرم
بابک قربانی	۹۶ کیلوگرم
بشير باباخان زاده	۱۲۰ کیلوگرم

در رده بندی جام جهانی کشتی فرنگی: ایران، روسیه، روسیه سفید، آذربایجان، ترکیه، قزاقستان، ارمنستان، کوبا، کره جنوبی و بلغارستان
آفرین به پهلوانان پیروز و محمد بنا مربی تیم

بهداد سلیمی وزنه بردار جهان

بهداد سلیمی وزنه بردار سنگین وزن ایران و قوی ترین مرد جهان به عنوان بهترین وزنه بردار جهان در سال ۲۰۱۰ انتخاب شد. او گفت که هدف اصلی او رسیدن به نشان طلای المپیک سال ۲۰۱۲ لندن است. در سال‌های پیش، کورش باقری در سال ۲۰۰۱، علی فلاحتی نژاد در سال ۲۰۰۳ و حسین رضازاده در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۴ به عنوان بهترین وزنه بردار جهان انتخاب شده بودند.

کشتی ایران قهرمان جام تختی

در پایان سی و یکمین دوره رقابت‌های کشتی آزاد جام تختی، تیم کشتی ایران با کسب ۶۹ امتیاز اول شد و تیم‌های قرقیزستان با ۴۷ امتیاز و آمریکا با ۴۲ امتیاز دوم و سوم شدند. تیم کشتی آزاد ایران به رویهم صاحب شش نشان شد که ۳ تا از آن‌ها طلا بود.

کشتی آزاد جوانان قهرمان جام سیراکوف

در پایان رقابت‌های جام سیراکوف بلغارستان تیم کشتی آزاد جوانان ایران با کسب ۵ نشان طلا و ۴ برنز با برتری و

افتدار قهرمان شد. همچنین تیم کشتی فرنگی جوانان ایران با کسب ۲ نشان طلا و ۳ برنز به مقام دوم رسید.

در کشتی آزاد جابر صادق زاده در وزن ۱۲۰ کیلوگرم، مهران شیخی در ۵۵ کیلوگرم و بهنام احسان پور در وزن ۶۰ کیلوگرم و نیز ابراهیم نصیری، حامد طالبی نشان طلا گرفتند و نادر حامدی پور، آرش دنگیری، امیر محمدی، علیرضا خاتمی برنده نشان برنز شدند.

در کشتی فرنگی، بهزاد قاسمی و مجید علی یار نشان طلا و محمدرضا رضایی، حسین نورفرد و پژمان شاهبداغی نشان برنز گرفتند. آفرین به پهلوانان جوان و مریبان آن‌ها.

پس از ۳۷ سال نشان برای دختران شمشیرباز

در رقابت‌های شمشیربازی قهرمانی نوجوانان و جوانان آسیا که در تایلند برگزار شد دختران جوان ایرانی به نشان برنز دست یافتند. این نشان نخستین نشان شمشیربازان جوان ما پس از ۳۷ سال می‌باشد. بهاره قیاس آبادی، مهسا پور رحمتی، سکینه نوری و فریما برزگر ترکیب تیم بانوان ایرانی را تشکیل می‌دادند. در این رقابت‌ها تیم پسران ایران نیز به نشان برنز دست یافت.

بازداشت یک شهر وند به جرم بهایی بودن

بهزاد ذیبحی ساکن شهر ساری به جرم بهایی بودن برای دادن توضیحات احضار و سپس بازداشت گردید.

بازداشت یک استاد و چهار دانشجو

چهار تن از دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر به نام‌های فرشاد موسوی، محمد احسان معزی، مهرداد فرونوش و قوران شفائی همراه با یکی از استادان – عبدالله صدری – که در تظاهرات روز ۲۵ بهمن شرکت کرده بودند بازداشت شدند.

شایط ناگوار منصور اسانلو

شایط جسمانی منصور اسانلو رئیس هیأت مدیره اتحادیه شرکت واحد تهران رو به خامت گذاشت است ولی عوامل امنیتی مانع مداوای نامبرده در بیمارستان‌های خارج از زندان شده‌اند.

دبالة در ص ۷

در آستانه ۲۹ اسفند سالگرد ملی شدن صنعت نفت استقرار حاکمیت ملی هدف جبهه ملی

به نام سعادت ملت ایران و به منظور کمک به صلح جهانی، امضاء‌کنندگان ذیل پیشنهاد می‌نماییم که صنعت نفت ایران در تمام مناطق کشور بدون استثناء ملی اعلام شود یعنی تمام عملیات اکتشاف، استخراج و بهره برداری در دست دولت قرار گیرد.

این همان ماده واحده ای است که از طرف اعضای کمیسیون نفت دوره شانزدهم مجلس شورای ملی به ریاست دکتر محمد مصدق پیشنهاد گردید و در تاریخ ۲۴ اسفند ۱۳۲۹ در مجلس شورای ملی مورد تصویب قرار گرفت و در روز ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ از تصویب مجلس سنا نیز گذشت و شان و اعتبار قانونی کسب نمود و به همین مناسبت از آن تاریخ روز ۲۹ اسفند به نام روز ملی شدن نفت نامیده شد.

صدق و یارانش برای رسیدن به این روز راهی بس طولانی و خطیر را با حوصله و درایت و استفاده کامل از تضاد بین قدرت های استعماری پشت سر گذاشته بودند. آنان در اول آبان ماه ۱۳۲۸ در جریان انتخابات دوره شانزدهم برای حراست از آزادی انتخابات، سازمان جبهه ملی ایران را تأسیس نمودند و با مبارزات خود موفق شدند انتخابات فرمایشی و تقلیل تهران را به ابطال کشانیده و در انتخابات مجدد که بعمل آمد هشت نفر از اعضای آن سازمان را به مجلس شانزدهم بفرستند وهمین گروه اندک با حمایت بی دریغ ملت ایران سرانجام موفق شدند قانون ملی شدن نفت را به تصویب مجلسین شورا و سنا برسانند و یک نقطه عطف تاریخی را در حیات سیاسی اجتماعی ملت ایران خلق نمایند. با تصویب شدن قانون ملی شدن نفت و پیدا شدن طلیعه شکست استعمار پیر انگلیس و اخراج آن از ایران موجی از شور و هیجان و فضائی پر از احساس غرور و خودبواری پهنه ایران زمین را فرا گرفت و مصدق معمار جنبش ملی شدن نفت را در جایگاه یک فهرمان ملی قرار داد. در اوایل اردیبهشت ۱۳۳۰ در مجلس از طرف افرادی ناموجه و به عنوان یک ترفند برای خارج کردن مصدق از صحنه به او برای نخست وزیری ابراز تمایل شد ولی مصدق با هوشیاری و برای به اجرا درآوردن قانون ملی شدن نفت زمامداری را قبول کرده و دولت ملی را تشکیل داد. در روز ۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۰ مصدق برنامه دولت خود را در مجلس شورای ملی در دو ماده خلاصه نمود:

۱- اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور

۲- اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای ملی و شهرداریها در برنامه مختصری که مصدق برای دولت خود ارائه نمود اهداف متعالی و آینده ساز آن بزرگ مرد به خوبی مشهود است. مقصود او از اجرای قانون ملی شدن نفت صرف نظر از تأمین منافع اقتصادی ایران، کوتاه کردن دست بیگانگان از این کشور و تأمین استقلال واقعی این مرز و بوم بود. و منظور او از اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای ملی و استقرار حاکمیت ملی و برداشتن در جهت انتخابات آزاد و استقرار حاکمیت ملی و برقراری دموکراسی چیز دیگری نبود. دولت ملی مصدق در زمانی کوتاه توانست اقدامات مهمی در زمینه اهداف خود یعنی برقراری استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی بعمل آورد. ولی دریغ و افسوس که کودتای ننگین ۲۸ مرداد سال ۳۲ با بقیه در ص ۸

درگذشت فخر الملوك اردلان (سنگابی)

بانو فخر الملوك اردلان، همسر شادروان دکتر کریم سنگابی در سن ۸۹ سالگی در آمریکا جهان را بدرود گفت. درگذشت شادروان خانم سنگابی را به فرزندان گرامی و نیز همه بانوانی که برای رسیدن به آزادی و کرامت انسانی تلاش و کوشش می‌کنند، صمیمانه نسلیت می‌گوییم.

درگذشت استاد محمد مهریار

درگذشت دانشمند ایرانستانس، استاد محمد مهریار، که از تبار خدمتگذاران فرهنگ و ادب ایران زمین بود به خانواده استاد و به جامعه فرهنگی ایران صمیمانه نسلیت می‌گوییم.

حپرهاي داها

بازداشت شهروندان اهل سنت جوانرود

در یک حرکت ضربتی نیروهای انتظامی اقدام به بازداشت گسترده شهروندان سُنی در جوانرود نمودند.

بازداشت دو دانشجو در بابل

دانیال زرگران و میلاد طاهری که در روزهای ۲۵ خداد توسط عوامل امنیتی بازداشت شده بودند به مکان نامعلومی منتقل شده اند.

۳ خودکشی در یک دانشکده

خبرها حاکی از خودکشی یک دانشجوی دانشکده فیزیک دانشگاه شریف بود. از سال گذشته تاکنون این سومین خودکشی است که در دانشگاه شریف رخ داده و در دو مورد به کشته شدن دو دانشجو انجامیده است.

بازداشتی ها در پادگان ها

گفته می‌شود که به دلیل کمبود جا در بازداشتگاه های تهران، بازداشتی ها را به پادگان ها برده اند.

کارگران در آستانه اخراج

قریب ۳۰۰ تن از کارگران پالایشگاه آبادان و ۶۰ تن از کارمندان شهرداری آبادان در آستانه نوروز و آغاز سال جدید توسط شرکت های پیمانکاری در آستانه اخراج قرار دارند.

کارگران این اقدام را ضد کارگری و چیاولگرانه دانسته و علت آن را عدم موافقت شرکت های پیمانکاری جهت پرداخت مزایای کارگران می‌دانند.

اعتصاب غذا در زندان گوهردشت

شمار زیادی از زندانیان سیاسی زندان گوهردشت کرج در اعتراض به عدم درمان محسن دگمه چی زندانی که مبتلا به سرطان می‌باشد، دست به اعتصاب غذا زدند.

نوروز قان پیروز

فرا رسیدن نوروز باستانی، نمود هویت ملی و فرا رسیدن آغاز سال نو خورشیدی را به همه ایرانیان و نیز مردم سوزمین هایی که نوروز را گرامی می دارند صمیمانه شادی اش می گوییم

«رو خار غم از دل بکن ای دوست که امروز هنگام درخشیدن گل های امید است»
فریدون مشیری

خوش آمد بهار
خوش آمد بهار
گل از شاخه تایید خورشیدوار

چون آموش نوروز پیروز بخت
گشوده رخ و باز آن درخت

گل افشاری ارغوان
نوید امید است در باغ جان
که هرگز نماند به جا
زمستان اهریمنی

بهاران فرا می رسد
پرستیدنی

در این صبح فرخنده تابناک
که از زندگی دم زند جان خاک
بیا با دل و جان پاک
همه لحظه ها را به شادی سپار
نداشی هم آهنگ یاران برآر:

خوش آمد بهار

خوانندگان گرامی می توانند مطالب خود را جهت چاپ در نشریه جبهه ملی خارج کشور، به نشانی زیر پفرستند.
راه تماس با سازمان جوانان جبهه ملی خارج از کشور:
www.javanane-melli.de
info@javanane-melli.de

نشریه
جبهه ملی ایران
خارج کشور
با مسئولیت هوشنگ کردستانی زیر نظر
هیأت تحریریه
هوشنگ کردستانی، مهندس مسعود هارون مهدوی،
دکتر امیرهوسنمند منتاوی و دکتر حسن کیانزاد هر ماه یک
بار در خارج از کشور انتشار می یابد
نوشتارهای با نام نویسنده در نشریه جبهه ملی ایران
خارج کشور، الزاماً نظر جبهه ملی ایران نیست.

در آستانه ۲۹ اسفند ...
بقیه از ص ۷
همکاری دستگاه های اطلاعاتی انگلیس و آمریکا و عوامل داخلی آنها راه را بر ملت ایران بست و حکومت دیکتاتوری و ابستته به بیگانه ای را بر این کشور تحمل کرد. مصدق در آخرين جلسه بیدادگاه نظامی کودتاچیان بعنوان آخرین دفاع این جملات را بر زبان راند:
«آری تنها گناه من و گناه بزرگ و بسیار بزرگ من اینست که صنعت نفت ایران را ملی کرده ام و بساط استعمار و اعمال نفوذ سیاسی و اقتصادی عظیم ترین امپراطوری های جهان را از این مملکت برچیده ام و پنجه در پنجه مخفوق ترین سازمانهای استعماری و جاسوسی بین المللی در افکنده ام و به قیمت از بین رفتن خود و خانواده ام و به قیمت جان و عرض و مال مخدووند مرا توفیق عطا فرمود تا با همت و اراده مردم آزاده این مملکت بساط این دستگاه و حشت انگیز را در نوردم. حیات و عرض و مال و موجودیت من و امثال من در برابر حیات و استقلال و عظمت و سرافرازی میلیون ها ایرانی و نسل های متواالی این ملت کوچک ترین ارزشی ندارد و از آنچه برایم بیش آورده اند هیچ تأسف ندارم و یقین دارم وظیفه تاریخی خود را تا سرحد امکان انجام داده ام. من به حس و عیان می بینم که این نهال برومند در خلال تمام مشقت هایی که امروز گربیان همه را گرفته به ثمر رسیده است و خواهد رسید.»

جبهه ملی ایران اکنون و در شصتمین سالروز ملی شدن نفت اعتقاد دارد که درآمد حاصل از فروش نفت نباید صرف هزینه سرکوب مردم و یا صرف اهداف واهی و بیهوده در آمریکای لاتین و غزه و لبنان و سوریه و سایر مناطق جهان شود. بلکه این درآمد پایان پذیر باید در موارد اساسی وزیر بنائی و در جهت بالا بردن سطح تولید و برای رفاه نسل حاضر و نسل های آینده سرمایه گذاری گردد.

جبهه ملی ایران در اوضاع و احوال ناسامان سیاسی، اقتصادی و بین المللی کشور یک بار دیگر تأکید می نماید که جز داشتن استقلال واقعی و برقواری آزادی های اساسی مانند آزادی احزاب، آزادی اجتماعات، آزادی مطبوعات و آزادی انتخابات و برقواری عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه ثروت و جدائی دین از حکومت و استقرار حاکمیت ملی مبنی بر آراء مردم در نظام جمهوری راه دیگری برای تأمین رفاه و سعادت ملت ایران در پیش روی ما نخواهد بود.

تهران، جبهه ملی ایران، ۲۸ اسفند ماه ۱۳۸۹